

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جامعه‌شناسی (۱)

سال دوم آموزش متوسطه

رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی

وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

برنامه ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر برنامه ریزی و تألیف کتاب های درسی

نام کتاب: جامعه شناسی (۱) - ۲۴۳/۱

شورای برنامه ریزی: حمید پارسانیا، حسن رحیم پور، غلام رضا جمشیدیها، حسین کجویان، محمد ابراهیم فیاض،

حسن ملکسی، یارمحمد بای، لطیف عبوضی، محمد شریف متولی، فریدون ملای بحری،

محمد مهدی ناصری، زهرا اصغری، آریتا بیدقی، الدوز تبریزی، علی حسینی

مؤلفین: حمید پارسانیا، محمد حسین پوریانی، حسن خیری، سید حسین شرف الدین، لطیف عبوضی، نعمت الله کرم اللهی،

ابراهیم فتحی، شمس الله مریجی، رقیه رودسرای

ویراستار: حسن ستایش

آماده سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره کل چاپ و توزیع کتاب های درسی

مدیر هنری: مجید ذاکری یونسی

طراح گرافیک و صفحه آرا: مهدی نقوی

تصویرگر: محمد پیریایی و فرید ملایی

عکاس: محمود کریمی

ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)

تلفن: ۴ - ۶۰۲۶۲۴۱، دورنگار: ۶۰۲۶۲۴۰، صندوق پستی: ۱۳۴۴۵/۶۸۴

چاپخانه: کارون

سال انتشار و نوبت چاپ: ۱۳۸۹/اول

حق چاپ محفوظ است.



من به همه سفارش می‌کنم به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید؛ و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزش‌ها و نوآوری‌ها همراهی کنید؛ و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید. مبادا ... جوانان ما را، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجی‌ها بت‌تراشند و روحیه پیروی و تقلید و گدا صفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. به جای اینکه گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه و رسم استقلال را زنده نگه دارند.

امام خمینی

فهرست

فصل اول

علوم اجتماعی

- ۱۲..... کنش انسانی
- ۱۸..... علوم انسانی
- ۲۲..... اهمیت علوم انسانی
- ۲۸..... کنش اجتماعی
- ۳۴..... علوم اجتماعی
- ۴۰..... تاریخچه‌ی جامعه‌شناسی
- ۴۶..... پیشینه‌ی علوم اجتماعی در یونان و جهان اسلام



فصل دوم

جهان اجتماعی

- ۵۴..... جهان اجتماعی و جهان طبیعی
- ۶۰..... اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی
- ۶۶..... انواع جهان اجتماعی
- ۷۴..... پیامدهای جهان اجتماعی
- ۸۰..... جهان‌های اجتماعی



فصل سوم

شناخت اجتماعی

- ۸۱..... شناخت اجتماعی
- ۹۴..... انواع شناخت علمی
- ۱۰۰..... شناخت اجتماعی تجربی
- ۱۰۶..... شناخت اجتماعی عقلی
- ۱۱۰..... شناخت اجتماعی شهودی
- ۱۱۶..... شناخت اجتماعی در قرآن



دانش آموزان عزیز

سلام

از این که رشته‌ی علوم انسانی را انتخاب کرده‌اید خوشحالیم و به شما تبریک می‌گوییم؛ انتخابی زیبا که رسالتی سنگین به دنبال دارد. بدانید آینده‌ی فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی، مرهون کاوش‌ها و تلاش‌های فعلی شما خواهد بود. در راستای تحقق این رسالت بزرگ، تلاش ما بر این بوده تا زمینه‌ی مواجهه فعال و پرشور شما با علوم انسانی و اجتماعی فراهم گردد.

کتابی که هم‌اکنون پیش روی شماست، حاصل تلاش جمعی از نویسندگان، کارشناسان و دبیران است که به صورت آزمایشی در اختیار شما قرار دارد تا با جمع‌آوری تجربه، علاقه و سلیقه‌های شما کامل‌تر شود و در سال‌های بعد با شکل و محتوای بهتری در اختیار دوستان شما قرار گیرد.

سال گذشته در کتاب مطالعات اجتماعی با مطالب و مسایل علوم اجتماعی به طور کلی آشنا شدید. امسال و سال‌های آینده آن مطالب را با تفصیل بیشتری خواهید خواند.

کتاب حاضر در ۳ فصل و ۱۸ درس تنظیم شده است:

فصل اول شما را با **علوم انسانی و علوم اجتماعی** آشنا می‌کند؛ تفاوت این علوم را با علوم دیگر از جمله علوم

طبیعی (تجربی) ارائه می‌دهد و اهمیت این علوم، تاریخچه‌ی علوم اجتماعی و پیشینه‌ی آن را بازگو می‌کند.

در فصل دوم با موضوع علوم اجتماعی یعنی «جهان اجتماعی» آشنا می‌شوید. از یک سو، تشابه و تفاوت جهان اجتماعی را با جهان طبیعی در می‌یابید و از دیگر سو، به شباهت‌ها و تفاوت‌هایی که جهان‌های اجتماعی مختلف با هم دارند پی می‌برید. همچنین با انواع جهان‌های اجتماعی که دارای فرهنگ‌ها و تمدن‌های متفاوت‌اند آشنا می‌شوید.

فصل سوم انواع مختلف **شناخت اجتماعی** را بازگو می‌کند. تفاوت شناخت عمومی و شناخت علمی درباره‌ی جامعه را بیان می‌کند. به ما می‌آموزد، شناخت علمی سطوح و مراتب مختلفی دارد و هرجهان اجتماعی سطح و نوعی از شناخت اجتماعی را می‌پذیرد. در پایان، برخی از ویژگی‌های شناخت اجتماعی متناسب با جهان اجتماعی اسلام، ارائه می‌شود.

مطالب این کتاب، مباحثی است که بیشتر برای معرفی علوم اجتماعی است؛ یعنی مطالب آن بیشتر درباره علوم اجتماعی نوشته شده است. کتاب‌های سال‌های بعد، شما را با مسائلی آشنا می‌کند که در علوم اجتماعی مطرح می‌شود.

استفاده‌ی مطلوب از کتاب حاضر، مستلزم حضور فعال و پرشور شما در کلاس درس و بهره‌بردن از دانسته‌ها و تجربه‌های ارزشمند دبیران می‌باشد. تلاش کنید، با همدلی و همراهی با دوستان و دبیران خود، در مباحث کلاس شرکت کنید. سعی کنید خوب بشنوید، خوب پرسید، خوب بگویید و خوب بنویسید. این مهارت‌ها در یادگیری و یاددهی در همه‌ی حوزه‌ها به ویژه در علوم انسانی بسیار حیاتی و تأثیر گذارند. در کسب این مهارت‌ها بسیار بکوشید. در این راستا، فعالیت‌های زیر در کتاب برای شما تعیین شده است:

- هر درس به سه بخش تقسیم شده است. در ابتدای هر بخش با خط درشت، پرسشی طرح شده که هدف آن برانگیختن کنجکاوای شما است. با دقت، این پرسش را بخوانید. پیش از ورود به مطلب و مطالعه‌ی آن، با استفاده از دانسته‌ها و تجربه‌های خود، برای این پرسش پاسخی فراهم کنید. پس از مطالعه‌ی متن، پاسخ ذهنی خود را با پاسخ کتاب مقایسه کنید.

- ضمن هر درس، فعالیت‌هایی با عناوین مختلف مانند؛ «گفت و گو کنید»، «نمونه بیاورید»، «دلیل بیاورید» و... گنجانده شده است. این فعالیت‌ها را با نظارت و هدایت دبیران خود، در جریان گفت و گوهای کلاسی انجام دهید.

- صفحه پایانی هر درس، دارای سه بخش: «**مفاهیم کلیدی**»، «**خلاصه کنید**» و «**آن چه از این درس آموختیم**» می‌باشد:

۱. مفاهیم کلیدی: هر درس درباره‌ی یک مفهوم کلیدی و چند مفهوم فرعی تألیف شده است. تلاش کنید، مجموعه‌ی مفاهیم اصلی و فرعی را بیابید.

۲. خلاصه کنید: تلاش کنید، ابتدا پرسش‌های مهمی را که این درس، در پی پاسخ‌دادن به آن‌هاست، پیدا کنید تا بتوانید مطالب مهم‌تر را از مطالب با اهمیت کمتر تشخیص دهید. برای راهنمایی بیشتر، می‌توان گفت شما در این بخش یا مفاهیم کلیدی را تعریف می‌کنید یا رابطه‌ی آن‌ها را در قالب یک گزاره یا یک جمله نشان می‌دهید.

۳. آن چه از این درس آموختیم: در این بخش، خود را در جایگاه معلمان و مؤلفان قرار دهید تا بگویید و بنویسید. وقتی با قصد آموزش به دیگران، درس را بخوانید آن را بهتر و عمیق‌تر می‌فهمید و وقتی بنویسید بهتر فکر می‌کنید؛ چراکه به تعبیری، تا دست به نوشتن نگیرید، مغز به اندیشیدن نیاغازد!

نوشتن ز گفتن مهمتر شناس به گاه نوشتن به جا آر هوش

نوشته‌های خود را بخوانید و نوشته‌های دیگران را هم خوب گوش کنید، آن‌ها را با یکدیگر مقایسه کنید و با هدایت دبیر خود، بهترین آن‌ها را انتخاب کنید و به نام نویسنده‌ی آن در این قسمت بنویسید.

* تصویرها، جدولها و نمودارها در انتقال محتوای درسها به شما کمک می کنند. به آنها توجه کنید و اگر علاقه مند بودید، تصویرهای مناسبی که مطلوب می دانید به ما پیشنهاد کنید.

* ارزشیابی این درس، به دو شکل زیر انجام می شود:

۱. ارزشیابی مستمر که شامل موارد زیر است:

- حضور فعال و پرشور در کلاس و شرکت در بحث و گفت و گوهای گروهی
 - انجام فعالیت های کلاسی
 - همکاری در کارهای گروهی
 - پرسش های کلاسی به صورت کتبی و شفاهی
 - انجام دادن کارهای اختیاری مانند: فعالیت های پژوهشی، نوآوری ها و خلاقیت های علمی، ادبی و هنری
۲. ارزشیابی پایان هر نیم سال که به صورت کتبی و براساس بارم بندی مشخص انجام می شود.

با آرزوی بهروزی و سلامتی شما

«گروه علوم اجتماعی دفتر برنامه ریزی و تألیف»

همکاران عزیز

با سلام و احترام

علوم انسانی و اجتماعی دانش‌هایی تمدنی و فرهنگی‌اند. نظریه‌های علوم اجتماعی، با حوزه‌ی فرهنگ و هویت، ارتباط متقابل و تأثیر دوسویه دارند. این تأثیر و تأثر ضرورت تولید و توزیع نظریه‌های بومی و برآمده از فرهنگ جامعه را ایجاب می‌کند. تحقق این امر، مستلزم برخورد فعال اندیشمندان جامعه برای تولید دانش و توزیع آن در سطوح مختلف آموزشی و البته منوط به دانستن، خواستن و توانستن نوجوانان و جوانان امروز و فرداست.

تأثیر دوسویه‌ی فرهنگ و نظریه‌های علوم اجتماعی، به علوم اجتماعی، پویایی و حیات خاصی می‌بخشد. اما ممکن است در فرایند انتقال و آموزش، نظریه‌ها و فراورده‌های دوره‌ی خاصی در ذهن مخاطبان رسوخ کند و پویایی علوم اجتماعی و امکان مواجهه‌ی فعال دانش‌آموزان با این علوم را سلب نماید.

دانش‌آموزان، نخستین مواجهه‌ی خود با دانش‌های جدید را در گذار از فرهنگ عمومی به فرهنگ علمی در درس‌های دوره‌ی متوسطه تجربه می‌کنند. ماهیت این درس‌ها، باید به گونه‌ای باشد که خلاقیت ذهنی دانش‌آموزان را از بین نبرد و از متصلب و مطلق‌شدن دانش جدید جلوگیری کند. در غیر این صورت، ظرفیت‌های ذهنی آنان برای برخورد فعال با این علوم در مقاطع بالاتر زایل می‌گردد.

آموزش علوم اجتماعی باید با ایجاد علقه و علاقه، فرصت مواجهه‌ی فعال و خلاق دانش‌آموزان را با این علوم فراهم کند و برای نوآوری علمی، ترغیب‌کننده و تشجیع‌کننده باشد. برماست زمینه‌ی این برخورد فعال و شورانگیز را فراهم آوریم. مؤلفان کتاب تلاش کرده‌اند در این راستا گام بردارند که البته بدون خلاقیت و نوآوری‌های شما این تلاش به سرانجام نمی‌رسد.

استفاده‌ی مطلوب از کتاب، مستلزم حضور فعال دانش‌آموزان در کلاس درس و استفاده از دانسته‌ها و تجربه‌های ارزشمند شماست. امید است با روش‌های فعال یاددهی - یادگیری و ارزش‌یابی‌های هدفمند این فرصت را غنیمت شمارید. یادآوری این نکته ضروری است که در مواردی برای تصریح مطلب، محتوای کتاب برجسته، شماره گذاری و خلاصه شده است. انتظار می‌رود این گونه مطالب بستر و بهانه‌ی آزمون‌های حافظه‌مدار قرار نگیرند. بلکه تلاش همه‌ی ما بر این باشد که دانش‌آموزان در مسائل و موضوعات مطرح شده شریک و سهمی شوند و متناسب با توان و قابلیت‌های خود در آن‌ها تأمل نمایند.

با همکاری جمعی از همکاران شما، راهنمای معلمی برای کتاب تدوین شده، که می‌تواند در فرایند تعلیم و تربیت به کار آید.

با آرزوی توفیق و بهروزی شما

«دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی»

فصل اول

علوم اجتماعی

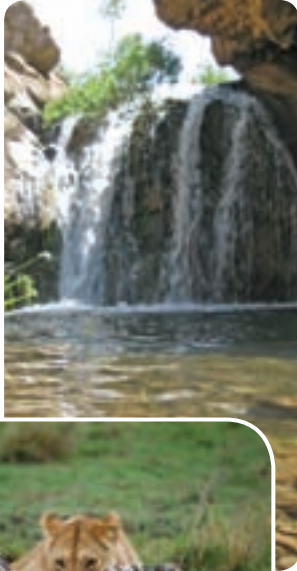
- ۱- کنش انسانی
- ۲- علوم انسانی
- ۳- اهمیت علوم انسانی
- ۴- کنش اجتماعی
- ۵- علوم اجتماعی
- ۶- تاریخچه‌ی جامعه‌شناسی
- ۷- پیشینه‌ی علوم اجتماعی در یونان و جهان اسلام

انتظار می‌رود در پایان این فصل دانش آموز:

- کنش انسانی، ویژگی‌ها و پیامدهای آن را تحلیل کند.
- تفاوت علوم انسانی و علوم طبیعی را تشخیص دهد.
- اهمیت و فایده‌ی علوم انسانی را تحلیل کند.
- کنش اجتماعی و پیامدهای آن را بشناسد.
- نسبت علوم انسانی و علوم اجتماعی را تفسیر کند.
- به علوم انسانی و علوم اجتماعی علاقه‌مند باشد.
- تاریخچه‌ی اجمالی جامعه‌شناسی و گونه‌های مختلف آن را تشریح کند.
- پیشینه‌ی علوم اجتماعی در جهان اسلام را توضیح دهد.



کنش انسانی



کنش انسانی چیست؟

اگر به اطراف خود بنگریم، متوجه می‌شویم که هر کس و هر چیز در حال انجام فعالیتی است. خود ما نیز در همه حال به فعالیتی مشغولیم، حتی در خلوت درباره‌ی امور مختلف فکر می‌کنیم. به نظر شما، فعالیت‌های انسانی چه تفاوت‌هایی با فعالیت‌های موجودات دیگر دارد؟

در جهان، تمامی موجودات کاری انجام می‌دهند؛ ابر در آسمان حرکت می‌کند، آب در جویبار روان است، درخت برگ و بار می‌دهد، خون در رگ‌های آدمی می‌چرخد، کشاورز به کشت و زرع می‌پردازد و ما نیز به کار و کوشش و فعالیت‌های روزانه‌ی خود می‌پردازیم...؛ امّا

فعالیت انسان‌ها با فعالیت موجودات دیگر تفاوت دارد. به فعالیتی که انسان انجام می‌دهد «کنش انسانی» می‌گویند. کنش انسانی با اراده و آگاهی انسان انجام می‌شود. یک نویسنده یا هنرمند با آگاهی و اراده می‌نویسد یا اثر هنری خلق می‌کند.

از تعریف کنش انسانی مشخص می‌شود، بسیاری از فعالیت‌هایی که در بدن انسان نیز انجام می‌شود، کنش انسانی نیستند؛ مانند: ضربان قلب آدمی یا رشد سلول‌های بدن؛ زیرا این‌گونه فعالیت‌ها با اراده و آگاهی انسان انجام نمی‌شوند.

کنش‌های انسانی انواع مختلفی دارند؛ برخی مانند ادراک و تفکر، درونی و بعضی مانند راه رفتن و نشستن، بیرونی‌اند. برخی مانند مسواک کردن، فردی و بعضی دیگر مانند سلام کردن، اجتماعی‌اند.

نمونه بیاورید

- سه کنش انسانی که در کلاس انجام داده‌اید بیان کنید.
- برای هر یک از انواع کنش‌های درونی، بیرونی، فردی و اجتماعی نمونه‌ای بیان کنید.

ویژگی‌های کنش انسانی

کنش انسانی با فعالیت‌های طبیعی تفاوت‌هایی دارد. از این تفاوت‌ها می‌توان به عنوان ویژگی‌های کنش انسانی یاد کرد. آیا می‌توانید چند ویژگی از کنش انسانی را بیان کنید؟

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های کنش انسان عبارت‌اند از:

۱- **آگاهانه بودن:** آگاهانه بودن کنش انسان به این معناست که فعالیت به آگاهی آدمی وابسته است؛ به‌گونه‌ای که هرگاه آن آگاهی از بین برود، رفتار نیز ادامه پیدا نخواهد کرد؛ مانند سخن گفتن که یکی از رفتارهای روزمره‌ی انسان‌هاست. اگر ما



آگاهی خود را نسبت به کلمات و معانی آنها از دست بدهیم، از گفتار باز می مانیم. از این رو بچه ها چون به کلمات آگاه نیستند نمی توانند حرف بزنند.

۲- **ارادی بودن:** کنش انسانی تنها با آگاهی انسان پدید نمی آید، انسان علاوه بر آگاهی، باید انجام فعالیتی را اراده و اختیار کند. کارهایی که بدون اراده از انسان سر می زند، کنش انسانی خوانده نمی شوند. ممکن است فردی به صحیح بودن کاری آگاه باشد ولی تصمیم به انجام آن نگیرد یا برعکس به غلط بودن کاری آگاه باشد ولی تصمیم بگیرد آن را انجام دهد.

۳- **هدفدار بودن:** هر فعالیت انسان با قصد و هدف خاصی انجام می شود، هرچند این فعالیت ها در برخی موارد به مقصود نمی رسد. فردی که به رودخانه ای قدم می گذارد یا قصد ماهی گیری دارد یا می خواهد سردی و گرمی آب را متوجه بشود یا هم می خواهد از رودخانه عبور کند.

۴- **معنادار بودن:** کنش انسانی با توجه به آگاهی ای که براساس آن شکل می گیرد و هدفی که دنبال می کند، دارای معنای خاصی است؛ به همین دلیل، کنش های انسانی را بدون توجه به معنای آنها نمی توانیم بشناسیم؛ برای نمونه سخن گفتن فقط صداهایی نیست که با اراده و آگاهی از دهان خارج می شوند، بلکه مجموعه معنایی است که به وسیله ی صداها به دیگری منتقل می شود.

اگر یکی از دانش آموزان در کلاس درس دست خود را بالا بیاورد به معنای اجازه خواستن از معلم است.





۵- **تناسب داشتن با موقعیت‌های زمانی، مکانی و اجتماعی:** برای مثال، رفتار یک فرد در دوران کودکی با رفتار او در دوران بزرگسالی متفاوت است؛ یا چگونگی برخورد آدمی با آشنایان، با برخورد او با افراد ناآشنا تفاوت می‌کند.

تفسیر کنید

● بوق زدن یک کنش انسانی است. آیا این کنش در همه‌ی موارد، معنایی یکسان دارد؟ سه معنا برای آن ذکر کنید.

پیامدهای کنش انسانی

انسان‌ها کنش خود را با اراده و آگاهی انجام می‌دهند. هر کنش آثار و پیامدهایی دارد. آیا پیامدهای کنش نیز وابسته به اراده و آگاهی انسان‌هاست؟

کنش انسانی دارای دو نوع نتیجه یا پیامد است:

اول: **پیامدهای ارادی؛** این نوع پیامدها به اراده‌ی افراد انسانی یعنی خود کنشگر یا افراد

دیگر وابسته است.

دوم: پیامدهای طبیعی یا غیرارادی؛ این نوع پیامدها به اراده‌ی فرد انسانی وابستگی ندارد.

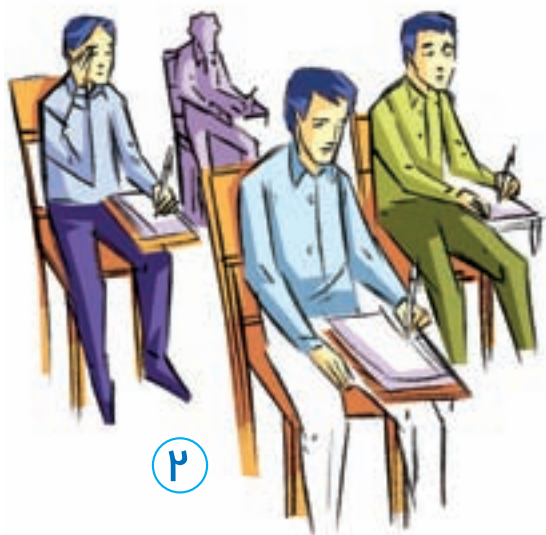
دانش‌آموزی کتاب درسی خود را به درستی مطالعه می‌کند، اول این که مطالب درس را به خوبی یاد می‌گیرد و دوم این که در آزمون، پرسش‌ها را پاسخ می‌دهد. معلم نیز نمره‌ی قبولی به او می‌دهد و او به کلاس بالاتر راه پیدا می‌کند.

یادگرفتن درس‌ها، پیامد طبیعی و غیرارادی فعالیت اوست. پاسخ‌دادن به پرسش‌های امتحانی و دادن نمره‌ی خوب، پیامد ارادی کنش اوست که اولی به اراده‌ی خود او، و دومی به اراده‌ی معلم او وابسته است.

پیامدهای طبیعی و غیرارادی کنش انسانی قطعی است؛ یعنی حتماً انجام می‌شود، ولی پیامدهایی که به اراده‌ی انسان‌ها وابسته است احتمالی است؛ یعنی ممکن است انجام بشود یا انجام نشود. در بسیاری از موارد، آدمیان کنش‌های خود را با توجه به پیامدهای ارادی و غیرارادی آن انجام می‌دهند.



۱



۲



۳

تحلیل کنید

- آب این جوی به سرچشمه نمی‌گردد باز بهتر آن است که غفلت نکنیم از آغاز
- پیامدهای سحرخیزی یا ورزش صبحگاهی را تحلیل کنید.

مفاهیم کلیدی

اصطلاحات و مفاهیم اساسی
درس را در این قسمت بنویسید

کنش انسانی،

.....
.....
.....
.....
.....
.....

خلاصه کنید

خلاصه کنید: مطالب مهم درس را در قالب جمله یا گزاره بنویسید. در این قسمت یا مفاهیم کلیدی را تعریف می‌کنید یا ارتباط آن‌ها را دوباره نشان می‌دهید.

فعالیتی که انسان با اراده و آگاهی انجام می‌دهد،
کنش انسانی است.

آنچه از این درس آموختیم

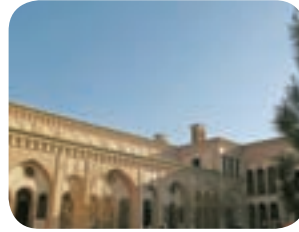
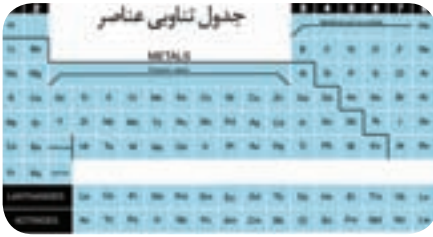
در این قسمت می‌توانید جمله‌ها و گزاره‌هایی را که در قسمت «خلاصه کنید» نوشته‌اید با هم ترکیب کنید و در قالب بند یا پاراگراف بنویسید.

فرض کنید می‌خواهید مطالبی را که در این درس یاد گرفته‌اید به زبان و قلم خودتان به دیگران آموزش دهید. در کلاس نوشته‌های خود را بخوانید و با راهنمایی دبیر خود، بهترین آن‌ها را انتخاب کنید و به نام نویسنده‌ی آن، در کتاب خود بنویسید.

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

۱- برای پیداکردن مطالب مهم درس از خود بپرسید این درس به دنبال پاسخ به چه پرسش‌هایی است.

علوم انسانی



تعریف علوم انسانی

شما امسال رشته‌ی تحصیلی علوم انسانی را انتخاب کرده‌اید. آیا تاکنون درباره‌ی علوم انسانی اندیشیده‌اید؟ شما چگونه علوم انسانی را تعریف می‌کنید.

هر علمی درباره‌ی یک موضوع خاصی بحث می‌کند، و به همین دلیل، بسیاری از دانشمندان تفاوت علوم را به تفاوت موضوعات آن‌ها دانسته‌اند و براین اساس، می‌توان گفت علوم انسانی به علمی گفته می‌شود که موضوع آن‌ها، کنش انسانی است؛ یعنی، علوم انسانی درباره‌ی کنش‌های

انسان‌ها و آثار و پیامدهای آن‌ها بحث می‌کند.

علوم انسانی از کارهای غیرارادی انسان‌ها بحث نمی‌کند؛ زیرا کارهای غیرارادی، کنش انسانی نیستند. علمی که به این امور می‌پردازد، با آن که درباره‌ی انسان بحث می‌کنند، جزء علوم انسانی نیستند؛ مانند علم پزشکی که به بدن انسان و سلامتی و بیماری آن می‌پردازد.

پاسخ دهید

● دو مورد از دانش‌هایی را که جزء علوم انسانی‌اند، شناسایی کنید و دلیل انتخاب خود را بیان کنید.

تفاوت علوم انسانی و علوم طبیعی

بسیاری از دوستان شما، رشته‌ی علوم طبیعی (تجربی) را انتخاب کرده‌اند. به نظر شما چه تفاوتی بین علوم انسانی و علوم طبیعی وجود دارد؟ در درس گذشته به تعریف کنش انسانی پی بردیم، این تعریف شما را در پاسخ به این پرسش کمک می‌کند.



علوم انسانی و علوم طبیعی موضوعات متفاوتی دارند. موضوعات علوم انسانی همان‌گونه که پیش از این دانستید کنش‌های انسانی است و حال آن‌که موضوعات علوم طبیعی، پدیده‌های جهان طبیعی است. کنش انسانی چون با اراده و آگاهی انسان انجام می‌شود دارای هدف و معنایی خاص است و به همین دلیل شناخت کنش انسان بدون فهم هدف و معنای آن ممکن نیست. اما پدیده‌های طبیعی از معانی و اهدافی که انسان‌ها در نظر می‌گیرند مستقل هستند؛ یعنی به تصمیمات و اقدامات انسان‌ها وابسته نیستند. بنابراین شناخت آن‌ها نیز مستقل از اهداف و اغراض انسان‌هاست. تفاوت علوم انسانی و علوم طبیعی را از تفاوت نگاه زبان‌شناس و فیزیک‌دان به صدای یک انسان می‌توان دریافت.

تفسیر کنید

● به نظر شما تفاوت نگاه یک فیزیک‌دان و یک زبان‌شناس به صدای یک انسان چیست؟

متافیزیک و علوم انسانی

همه با نام فلسفه یا متافیزیک آشنا هستیم به نظر شما آیا فلسفه جزء یکی از دو دسته‌ی علوم طبیعی یا علوم انسانی است یا آن که علمی مستقل است؟

موضوع علوم طبیعی و فلسفه با هم تفاوت دارد. موضوع علوم طبیعی موجودات طبیعی است. علوم طبیعی، قوانین طبیعت و موجودات طبیعی را شناسایی می‌کنند. مثلاً زیست‌شناسی

درباره‌ی موجودات زنده بحث می‌کند و موجود زنده را دارای ویژگی‌هایی مانند حرکت، تغذیه و رشد کردن می‌داند.



موضوع علوم انسانی و فلسفه نیز با هم تفاوت دارد. موضوع علوم انسانی، کنش انسانی و پیامدهای آن می‌باشد. علوم انسانی قوانین مربوط به کنش‌های انسانی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. مثلاً اقتصاد به کنش‌های اقتصادی همچون تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات می‌پردازد؛ در حالی که موضوع فلسفه، اصل وجود است؛ یعنی به موجودی خاص مانند موجودی طبیعی و انسانی نمی‌پردازد. فلسفه،

قوانین کلی موجودات را شناسایی می‌کند. این قوانین شامل همه‌ی موجودات می‌شود و مخصوص موجودات طبیعی یا انسانی نیست؛ مانند قانون علیّت. قانون علیّت به این معنا است که خود به خود اتفاقی در عالم رخ نمی‌دهد و هر پدیده‌ای که واقع می‌شود، دارای علت است.

بنابراین فلسفه نه جزء علوم طبیعی است و نه در زمره‌ی علوم انسانی به شمار می‌رود؛ بلکه خود دانشی مستقل است.

پاسخ دهید

- آیا قوانین فلسفی همان‌گونه که بر موجودات طبیعی جریان دارد بر کنش‌های انسانی نیز جاری است؟
- به غیر از اصل علیّت یک قانون فلسفی دیگر را که نسبت به همه موجودات صادق باشد نام ببرید.

مفاهیم کلیدی

علوم انسانی،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

خلاصه کنید

- علوم انسانی درباره‌ی کنش‌های انسانی و آثار و پیامدهای آن‌ها بحث می‌کند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

اهمیت علوم انسانی



آینده‌ی شغلی

انتخاب رشته تحصیلی یکی از تصمیم‌های مهم زندگی ماست. هنگام انتخاب رشته، دانش‌آموزان رشته‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه می‌کنند و با توجه به عوامل مختلفی چون علاقه‌ی خود و نیازهای جامعه می‌کوشند تا رشته‌ای را که اهمیتی بیش‌تر دارد، انتخاب کنند. به نظر شما، علوم انسانی از اهمیت بیش‌تری برخوردارند یا علوم طبیعی؟

وقتی یک رشته‌ی علمی را با رشته‌ای دیگر مقایسه کنیم، برای تشخیص اهمیت و برتری



یکی از آن دو، نیازمند معیار و ملاکی هستیم تا آن دو رشته را با آن ملاک ارزیابی کنیم. برای مقایسه‌ی علوم انسانی و علوم طبیعی، معیارهای مختلفی وجود دارد. براساس برخی از معیارها علوم طبیعی و براساس بعضی از معیارهای دیگر علوم انسانی از اهمیت بیش‌تری برخوردارند.



بسیاری از خانواده‌ها، در مقایسه‌ی رشته‌های علمی با یکدیگر بیش‌تر با ملاک آینده‌ی شغلی، به داوری می‌پردازند و هر رشته‌ای را که از نظر اجتماعی و اقتصادی و فرصت‌های شغلی آینده‌ی بهتری داشته باشد ترجیح می‌دهند.

معیار و ملاک آینده‌ی شغلی را محیط اجتماعی تعیین می‌کند و با تغییر شرایط محیطی نیز تغییر پیدا می‌کند.

بعضی از رشته‌ها در برخی جوامع از فرصت شغلی و شأن اجتماعی مناسبی برخوردارند، درحالی که همان رشته‌ها در جوامعی دیگر، آینده‌ی شغلی خوبی ندارند و زمینه‌ی اجتماعی مناسبی برایشان فراهم نیست.

تحلیل کنید

- رشته‌هایی را نشان دهید که طیّ سالیان مختلف، فرصت‌های شغلی آن‌ها تفاوت کرده باشد. دلیل آن را بیان کنید.
- به نظر شما، در بین رشته‌های علوم انسانی، کدام رشته از آینده‌ی شغلی بهتری برخوردار است؟
- آیا ملاک دیگری غیر از فرصت و آینده شغلی برای مقایسه‌ی علوم طبیعی و علوم انسانی می‌توانید بیان کنید.

فواید علوم طبیعی

رشته‌های علمی را براساس فایده‌ای که برای انسان دارند می‌توان رتبه‌بندی کرد. به نظر می‌رسد شما با فایده‌های علوم طبیعی آشنا هستید. آیا می‌توانید چند فایده‌ی علوم طبیعی را نام ببرید؟

می‌دانیم که موضوع علوم طبیعی عالم طبیعت است. این دسته از علوم با شناخت طبیعت، قدرت پیش‌بینی و پیشگیری حوادث طبیعی را برای انسان فراهم می‌آورد و انسان را بر عالم طبیعت مسلط می‌گرداند.

بنابراین می‌توان گفت فایده‌های علوم طبیعی عبارت‌اند از:

- ۱- شناخت طبیعت
- ۲- پیش‌بینی حوادث طبیعی برای پیش‌گیری و تسلط بر طبیعت
- ۳- رهاسازی انسان از اسارت طبیعت.

به علوم طبیعی، چون ابزار تسلط انسان بر طبیعت و وسیله‌ی رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعی‌اند، «علوم ابزاری» می‌گویند.

تحقیق کنید

- چگونه انتشار و پیامدهای یک بیماری همه‌گیر را در گذشته مطالعه کنید و نشان دهید انسان‌ها چگونه توانستند این نوع بیماری‌ها را مهار کنند.
- به نظر شما رابطه‌ی مطلوب انسان و طبیعت چگونه رابطه‌ای است؟

فواید علوم انسانی

با فواید علوم طبیعی آشنا شدید. شما دانش‌آموزان رشته‌ی علوم انسانی چه شناختی از فواید علوم انسانی دارید؟

می‌توان گفت فایده‌های علوم انسانی عبارت‌اند از:

- ۱- شناخت و فهم معانی کنش‌های آدمیان
- ۲- شناسایی عواملی که بر زندگی انسان و کنش‌های او تأثیر دارند یا پیش‌بینی کنش‌ها و پیامدهای آن‌ها برای پیش‌گیری.

● خانه عامری‌ها، کاشان
پله‌های سنگی مسیر تعالی را نشان می‌دهند و پله‌های چوبی ابزاری هستند برای آسان‌تر پیمودن این مسیر.

- ۳- شناخت فضیلت، عدالت، سعادت و راه صحیح زندگی و ارزش‌گذاری درباره‌ی کنش‌های خوب و بد انسان‌ها.
- ۴- انتقاد از کنش‌های ناپسند و ظالمانه‌ی انسان‌ها.
- ۵- رهاکردن و آزادسازی انسان‌ها از ظلم‌ها و اسارت‌هایی که در اثر کنش‌های انسان‌ها پدید می‌آید.
- ۶- نشان‌دادن شیوه‌ی صحیح استفاده از علوم طبیعی و دانش‌های ابزاری.

علوم انسانی چون به فهم معانی کنش‌های انسانی می‌پردازند، «علوم تفهمی» نامیده می‌شوند. به این علوم چون به انتقاد از کنش‌های ناپسند آدمیان می‌پردازند، «علوم انتقادی» نیز می‌گویند.

با توجه به فواید متفاوتی که علوم طبیعی و انسانی دارند، به نظر شما اهمیت کدام دسته از علوم بیش‌تر است.

علوم طبیعی همچون ابزاری هستند که در دست انسان قرار دارند. انسان با این ابزار بر

عالم طبیعت مسلط می‌شود. علوم انسانی همانند چراغی هستند که راه صحیح استفاده از این ابزار را به انسان نشان می‌دهند. اگر علوم طبیعی در مسیر ارزش‌ها و فضیلت‌هایی قرار گیرند که توسط علوم انسانی شناخته می‌شوند وسیله‌ی رسیدن انسان به عدالت و سعادت می‌گردند. علوم طبیعی بدون استفاده از علوم انسانی ممکن است وسیله فساد و تباهی انسان و جهان شود.



علوم طبیعی اگر دچار مشکل شوند قدرت تصرف انسان در طبیعت محدود می‌شود و اما اگر علوم انسانی گرفتار مشکل شوند انسان از تدبیر زندگی خود و از شناخت ارزش‌ها و آرمان‌هایی که باید دنبال نماید باز می‌ماند و هنگامی که خود انسان به بحران گمراهی گرفتار شود، علوم ابزاری او نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه بر مشکلات او می‌افزاید. علوم انسانی به سبب این که راه استفاده از طبیعت و علوم طبیعی را نشان می‌دهند نسبت به علوم طبیعی از اهمیت بیشتری برخوردارند.

داوری کنید

- برخی از مفاسد و خطرهایی را که در اثر توسعه‌ی یک‌جانبه‌ی علوم طبیعی پیش آمده است، فهرست کنید.
- شما برای مقایسه‌ی علوم طبیعی و علوم انسانی کدام معیار را بهتر می‌دانید؟
الف) فرصت و آینده شغلی
ب) فواید علوم

مفاهیم کلیدی

علوم ابزاری، علوم
انتقادی،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

خلاصه کنید

- مقایسه‌ی علوم انسانی و علوم طبیعی براساس
ملاک‌های متفاوتی صورت می‌گیرد.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

کنش اجتماعی



تعریف کنش اجتماعی

در سال گذشته یاد گرفتیم که انسان موجودی اجتماعی است. در درس‌های گذشته نیز با معنای کنش انسانی آشنا شدیم. به نظر شما این دانسته‌های قبلی شما چه ارتباطی با «کنش اجتماعی» دارند؟

ما به دوست خود سلام می‌کنیم یا پاسخ سلام او را می‌دهیم؛ با ورود معلم به کلاس از

جا برمی خیزیم؛ هنگام ورود به کلاس یا سوار شدن اتوبوس حق تقدم را رعایت می‌کنیم و به هم تعارف می‌کنیم.

کنش‌هایی که با توجه به دیگران انجام می‌دهیم؛ «کنش اجتماعی» خوانده می‌شود. کنش اجتماعی نوعی از کنش انسانی است. پیش از این گفتیم کنش انسانی آگاهانه و ارادی است. اجتماعی بودن کنش به این است که آگاهی و اراده‌ی آدمی با توجه به دیگران و در نظر گرفتن ویژگی‌ها و اعمال آن‌ها باشد.



لباس پوشیدن شما در منزل با بیرون از منزل متفاوت است؛ زیرا شما در پوشیدن لباس، به نظر دیگران درباره‌ی خودتان اهمیت می‌دهید. آدمی برای آواز خواندن خیابان را انتخاب نمی‌کند. چرا که احتمال می‌دهد دیگران به او اعتراض کنند یا حداقل با نگاه‌های معنی‌دار به او بفهمانند که خیابان جای آواز خواندن نیست. از این رو شاید در جایی آواز بخواند که کسی نباشد؛ یا موقعیت مناسبی برای آواز خواندن باشد. این‌ها مواردی از کنش‌های اجتماعی هستند. هم‌چنین بالا رفتن فردی از دیوار خانه دیگران، حتی اگر خیابان خلوت باشد و کسی او را نبیند یک کنش اجتماعی است.

نمونه بیاورید

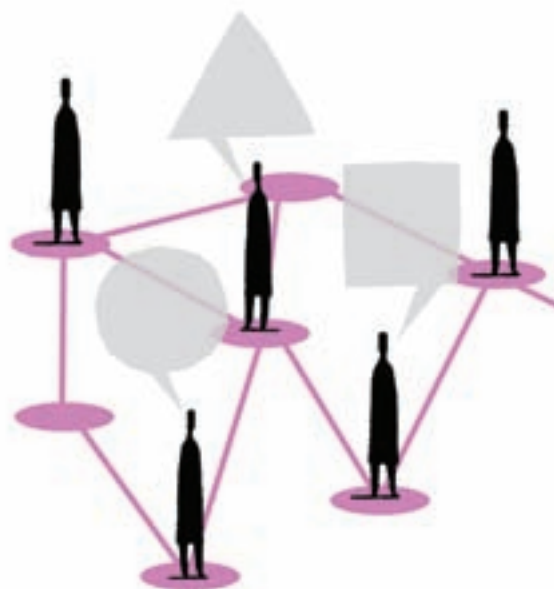
- دو مورد از کنش‌های اجتماعی را که امروز انجام داده‌اید، نام ببرید.
- این دو کنش با توجه به چه کسی و براساس چه شناخت و برداشتی از او انجام شده است؟
- نیت و هدف شما از این دو کنش چه بوده است؟

پدیده‌های اجتماعی

کنش‌های اجتماعی و پیامدهایی که به دنبال دارند همان پدیده‌های اجتماعی‌اند. آیا می‌توانید برخی از پدیده‌های اجتماعی را که در سال گذشته آموخته‌اید، نام ببرید.

هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی، نقش، خرده نظام و نظام اجتماعی از جمله‌ی پدیده‌های اجتماعی‌اند که در کتاب «مطالعات اجتماعی» با مفاهیم آن‌ها آشنا شدیم. کنش اجتماعی نخستین پدیده‌ی اجتماعی است. پدیده‌های اجتماعی دیگر، آثار و پیامدهای کنش اجتماعی انسان‌اند؛ مثلاً:

هنجار اجتماعی، شیوه‌ی کنش اجتماعی است که مورد قبول افراد جامعه قرار گرفته است. ارزش‌های اجتماعی، آن دسته از ارزش‌هایی هستند که مورد توجه، درخواست و پذیرش



همگان بوده و افراد یک جامعه نسبت به آن‌ها گرایش و تمایل دارند. اگر کنش اجتماعی نباشد، هیچ هنجاری شکل نمی‌گیرد و هیچ یک از ارزش‌ها و آرمان‌های اجتماعی مانند حقیقت، عدالت، امنیت آزادی و سعادت محقق نمی‌شوند. فرض کنید فردی به تنهایی در اتاقی سیگار می‌کشد او در حال انجام یک کنش انسانی است. اگر فرد دیگری وارد اتاق شود سیگار کشیدن او یک کنش اجتماعی می‌شود و پای هنجارها و ارزش‌ها به میان می‌آید. او می‌تواند برای رعایت حقوق دیگری (تحقق یک ارزش) سیگار خود را خاموش کند (پیدایش یک هنجار).

هنجارها و ارزش‌ها بعد از آن که از طریق کنش‌های اجتماعی انسان‌ها تحقق پیدا کنند، از سویی، با آموزش و پرورش، تشویق و تنبیه، پدیده‌ی جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی را ایجاد می‌کنند که آشنا کردن افراد جامعه با آسیب‌های سیگار کشیدن و ممنوعیت آن در مکان‌های عمومی،

های موردنظر او مناسبت دارد. ارزش‌های اجتماعی – که همان ارزش‌های مورد قبول جامعه است – نیز مقتضی کنش‌های متناسب با خود هستند.



ارزش‌هایی که صورت اجتماعی پیدا کرده باشند، از کنش‌هایی حمایت می‌کنند که مناسب با آن‌ها باشد و کنش‌هایی را که متناسب با ارزش‌های ناشناخته و مغایر باشد، کنترل می‌کنند؛ یعنی، کنترل اجتماعی و جامعه‌پذیری نیز، متناسب با باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است. نظام اجتماعی برآیند سایر پدیده‌های اجتماعی است. در این نظام، پدیده‌های مختلف اجتماعی دارای تأثیر و تأثر متقابل هستند.

اگر پدیده‌های خرد اجتماعی از نسبتی هماهنگ برخوردار باشند، نظام اجتماعی کلان از انسجام و استقرار برخوردار است و اگر پدیده‌های خرد و از جمله خرده نظام‌ها، مثل نظام آموزش و پرورش و نظام اقتصادی و سیاسی، ناسازگار عمل کنند، نظام اجتماعی کلان، متناسب با آن ناسازگاری‌ها دستخوش تغییراتی خواهد شد.

تحقیق کنید

- نظام قومی و قبیله‌ای با چه نوع ارزش‌هایی سازگار است؟ برخی از آن ارزش‌ها را نام ببرید.
- دو هنجار و کنش اجتماعی مناسب با این نظام را بیان کنید.
- ارزش عدالت، با چه نوع هنجارهایی در زمینه‌ی آموزشی سازگار است؟

مفاهیم کلیدی

پدیده‌ی اجتماعی؛
کنش اجتماعی؛

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

خلاصه کنید

– کنش اجتماعی، نوعی از کنش انسانی است که با توجه
به دیگران انجام می‌شود.

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

آنچه از این درس آموختیم

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

علوم اجتماعی

تعریف علوم اجتماعی

هر علمی، از جهات مختلف، با علوم دیگر تمایز دارد؛ مثل موضوع، هدف و روش. علوم اجتماعی را نیز با همین معیارها از دانش‌ها و علوم دیگر می‌توان بازشناخت. به نظر شما، تعریف علوم اجتماعی چیست؟

بسیاری از دانشمندان، علوم اجتماعی را براساس موضوع آن تعریف کرده‌اند. در درس قبل با کنش اجتماعی آشنا شدیم و دانستیم سایر پدیده‌های اجتماعی، نتیجه و پیامد کنش‌های



اجتماعی هستند. می‌توان علوم اجتماعی را شناخت کنش اجتماعی انسان و پیامدهای آن تعریف کرد. این تعریف علاوه بر آن که کنش اجتماعی انسان را در برمی‌گیرد، پدیده‌های اجتماعی دیگر از جمله نظام‌های خرد و کلان اجتماعی را نیز شامل می‌شود. علوم اجتماعی را می‌توان علم به پدیده‌ها و واقعیت‌های اجتماعی نیز تعریف کرد.

تفسیر کنید

● کنش انسانی و پیامدهای آن را موضوع علوم انسانی دانستیم. کنش اجتماعی و پیامدهای آن را موضوع علوم اجتماعی معرفی کردیم. با مقایسه‌ی دو شکل زیر نسبت علوم انسانی و علوم اجتماعی را پیدا کنید.



اهمیت علوم اجتماعی

با توجه به آن چه در درس سوم درباره‌ی اهمیت علوم انسانی بیان شد اهمیت علوم اجتماعی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

موضوع علوم انسانی کنش‌های انسانی است، و موضوع علوم اجتماعی کنش‌های اجتماعی انسان است، بنابراین موضوع علوم انسانی عام‌تر از موضوع علوم اجتماعی است؛ در نتیجه علوم اجتماعی بخشی از علوم انسانی محسوب می‌شود و همه‌ی فواید علوم انسانی را داراست. فایده‌های علوم اجتماعی:

اول: شناسایی کنش‌های اجتماعی انسان‌ها، قدرت پیش‌بینی نسبت به آثار و پیامدهای فعالیت‌های اجتماعی را پدید می‌آورد و از این جهت، نقش علوم ابزاری را ایفا می‌کند. البته قدرت پیش‌بینی علوم اجتماعی به دلیل آگاهانه و ارادی بودن و تنوع کنش‌های انسانی از پیچیدگی بیش‌تری نسبت به علوم طبیعی برخوردار است.



دوم: علوم اجتماعی با فهم معانی کنش‌های دیگران، امکان همدلی و همراهی با دیگران را پدید می‌آورد.

سوم: در علوم اجتماعی ظرفیت داوری درباره‌ی هنجارها و ارزش‌های رفتاری خود و دیگران و به دنبال آن امکان انتقاد نسبت به خطاهای رفتاری و اجتماعی وجود دارد. علوم اجتماعی با داوری و انتقاد درباره‌ی کنش‌های اجتماعی، فرصت واکنش و موضع‌گیری اجتماعی مناسب و صحیح را برای دانشمند فراهم می‌آورد.

تحلیل کنید

- فرض کنید شما شاهد نزاع و درگیری میان دو کشور، دو قبیله در منطقه‌ای یا دو فرد در خیابانی هستید. چگونه می‌توانید فواید علوم اجتماعی را در بررسی، ارزیابی و حل یکی از این درگیری‌ها نشان دهید؟
- فرض کنید شما درباره گروهی نوجوان که روزها به گدایی مشغول‌اند و شب‌ها در خیابان‌های شهر می‌خوابند مطالعه می‌کنید. چگونه می‌توانید فواید علوم اجتماعی را در این مطالعه نشان دهید.

شاخه‌های علوم اجتماعی

موضوعاتی که دارای اجزاء و ابعاد مختلف‌اند، با توجه به ابعاد یا اجزای خود، دانش‌های مختلفی را در پیرامون خود به وجود می‌آورند، مانند بدن

انسان که تخصص‌های گوناگونی درباره‌ی اعضای آن پدید می‌آید. کنش اجتماعی انسان نیز به لحاظ پیامدهای خرد و کلان آن، شاخه‌ها و دانش‌های اجتماعی متفاوتی را به دنبال می‌آورد. آیا می‌توانید برخی از دانش‌هایی را که پیرامون پدیده‌های اجتماعی شکل می‌گیرند نام ببرید؟



از جمله رشته‌هایی که اینک پیرامون پدیده‌های اجتماعی وجود دارد و در محیط‌های آموزشی مختلف فعال‌اند عبارت‌اند از: اقتصاد، حقوق، سیاست، تاریخ، باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی، زبان‌شناسی، مدیریت، روان‌شناسی اجتماعی، جغرافیای انسانی و ...

اقتصاد: علم به کنش‌های اقتصادی انسان در زمینه‌های تولید، توزیع، مبادله و مصرف است. این کنش‌ها، نظام اقتصادی را پدید می‌آورند.



حقوق: علم به آن دسته از قواعد زندگی اجتماعی است که ضمانت اجرای رسمی دارند و بخشی از روابط اجتماعی افراد را تعیین می‌کنند.

سیاست: علم اداری جامعه یا علم به پدیده‌ی قدرت و حکومت است که یکی از خرده نظام‌های اجتماعی است.

تاریخ: علمی است که پدیده‌های اجتماعی را به لحاظ زمانی بررسی می‌کند.

باستان‌شناسی: واقعیت‌های انسانی و اجتماعی را از گذشته‌ی دورتر، براساس آثار و بقایای انسانی جست‌وجو می‌کند.



مردم‌شناسی: کنش اجتماعی و روابط اقوام محلی و گروه‌های نژادی و ابعاد فرهنگی جوامع پیشین و جوامع شهری را مطالعه می‌کند.

جامعه‌شناسی: با مردم‌شناسی و جوه مشترک فراوانی دارد. بیش‌تر به جوامع معاصر و مدرن می‌پردازد. در این علم، رشته‌های فرعی فراوانی به‌وجود آمده است که نظر به بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی بشر دارد؛ مثل جامعه‌شناسی شهری، جامعه‌شناسی کار و صنعت، جامعه‌شناسی روستایی یا جامعه‌شناسی علم.

دو تعریفی را که در ابتدای همین درس از علوم اجتماعی خواندید به یاد بیاورید. براساس همین تعاریف بعضی از جامعه‌شناسان، جامعه‌شناسی را شناخت کنش اجتماعی انسان و بعضی دیگر جامعه‌شناسی را شناخت نظام‌های اجتماعی دانسته‌اند. گروه اول به پدیده‌های اجتماعی خرد، یعنی کنش اجتماعی نظر دوخته‌اند. به جامعه‌شناسی آنان، جامعه‌شناسی خرد می‌گویند. گروه دوم پدیده‌های اجتماعی کلان را موردنظر قرار داده‌اند به جامعه‌شناسی آنان، جامعه‌شناسی کلان گفته می‌شود. براساس تعریفی که در این درس از علوم اجتماعی ارائه شد، جامعه‌شناسی می‌تواند پدیده‌های اجتماعی را در سطوح خرد و کلان مورد بررسی قرار دهد.

تحلیل کنید

- علمی را نام ببرید که براساس تعریف ارائه شده از علوم انسانی، در حوزه علوم انسانی باشد ولی جزء علوم اجتماعی نباشد.
- به نظر شما ادبیات جزء کدام دسته از علوم است؟ دلیل شما چیست؟

مفاهیم کلیدی

علوم اجتماعی؛

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

خلاصه کنید

علوم اجتماعی، علم به کنش اجتماعی انسان و پیامدهای آن است.

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

آنچه از این درس آموختیم

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

تاریخچه‌ی جامعه‌شناسی



جامعه‌شناسی پوزیتیویستی

علوم اجتماعی در طول تاریخ اندیشه‌ی بشری به صورت‌های گوناگون حضور داشته است؛ در قرن نوزدهم میلادی، صورت جدیدی از این دانش با نام جامعه‌شناسی متولد شد. ویژگی‌های جامعه‌شناسی قرن نوزدهم چیست؟

در قرن نوزدهم، نوعی از حس‌گرایی که شناخت علمی را به دانش حسی و تجربی محدود می‌کرد، غالب شد. این جریان را «اثبات‌گرایی» یا «پوزیتویسم» می‌نامند. با غلبه‌ی اثبات‌گرایی و رشد علوم طبیعی، نوع جدیدی از دانش اجتماعی که الگو و روش خود را از علوم طبیعی می‌گرفت به وجود آمد.



اگوست کنت (۱۸۳۸ م.) که بنیان‌گذار این نوع از دانش اجتماعی شناخته می‌شود، در ابتدا با تأثیرپذیری از علوم طبیعی، این دانش را «فیزیک اجتماعی» می‌خواند و سپس لفظ «جامعه‌شناسی» را برای آن برگزید.

موضوع، روش و هدف این دانش را می‌توان به صورت زیر بیان کرد.

موضوع: جامعه‌شناسی قرن نوزدهم موضوع خود، یعنی جامعه و پدیده‌های اجتماعی، را مانند یکی از پدیده‌های اندام‌وار طبیعی، در نظر می‌گرفت و تفاوت میان موضوع علوم طبیعی و علوم اجتماعی را نادیده می‌گرفت. روش: جامعه‌شناسی پوزیتویستی، روش صرفاً حسی و تجربی را به عنوان روش علمی به رسمیت می‌شناخت. براساس این دیدگاه، کسانی که از منابع معرفتی عقل و وحی برای شناخت عالم استفاده کنند، از معرفت علمی بهره‌ای ندارند؛ هم‌چنین، دانش اجتماعی پیشینیان نیز به دلیل استفاده از این منابع، غیرعلمی بوده است.



● آزمایشگاه ویلهلم وونت

هدف: در قرن نوزدهم، با غلبه‌ی رویکرد دنیوی در جامعه‌ی صنعتی جدید، ارزش‌ها و هنجارهای پیشین جامعه گرفتار تزلزل شده بود. هدف جامعه‌شناسی در آن مقطع، شناخت پدیده‌های اجتماعی برای پیش‌بینی و کنترل آن‌ها بود.

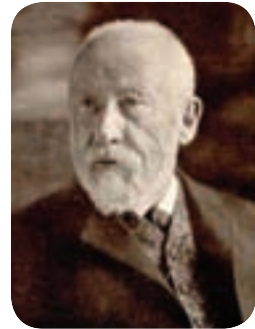
تحلیل کنید

- جامعه‌شناسی در قرن نوزدهم الگوی خود را از کدام دسته از علوم می‌گرفت؟
- چرا در قرن نوزدهم میلادی، دانش اجتماعی پیشینیان غیرعلمی دانسته شد؟

جامعه‌شناسی تفهیمی

در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم، با آن که روش تجربی هم‌چنان به عنوان روش اصلی شناخت علمی مورد پذیرش جامعه علمی بود، تعدیل‌هایی در جامعه‌شناسی به وجود آمد و با این تعدیل‌ها، نوع جدیدی از جامعه‌شناسی شکل گرفت که به آن «جامعه‌شناسی تفهیمی» می‌گویند. خصوصیات این نوع از جامعه‌شناسی چیست؟

دیلتای متفکر آلمانی (۱۹۳۸-۱۸۳۳م.) با توجه به ویژگی‌های کنش انسانی و معنادار بودن کنش‌های آدمیان، به تفاوت موضوعات علوم انسانی و علوم طبیعی، پی برده بود. ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی، با تأثیرپذیری از دیلتای توانست نوع جدیدی از جامعه‌شناسی را بنیان گذارد که کمتر از علوم طبیعی الگو می‌گرفت. خصوصیات این نوع از جامعه‌شناسی را از جهت موضوع، روش و هدف می‌توان به صورت زیر بیان کرد.



موضوع: او موضوع جامعه‌شناسی را کنش‌های اجتماعی انسان معرفی کرد. براساس این دیدگاه، موضوع جامعه‌شناسی از نوع موضوعات طبیعی نیست که فقط با مشاهده و آزمون شناخته شود بلکه موضوع جامعه‌شناسی رفتارهای معناداری است که فقط از طریق فهم و دریافت معانی آن‌ها شناخته می‌شوند. به علت توجهی که ماکس وبر به ضرورت فهم معانی رفتار کنشگران داشت، جامعه‌شناسی او را «جامعه‌شناسی تفهیمی» می‌نامند.

روش: ماکس وبر با آن که هم‌چنان به حس و تجربه به عنوان شاخص اصلی شناخت علمی اهمیت می‌داد، به دو نکته مهم توجه کرد:

اول - ذهن و عقل انسان در جریان شناخت تأثیر فعال دارد.

دوم - شناخت علمی به روش تجربی محدودیت‌هایی دارد. از نظر او، جامعه‌شناسی علمی به دلیل خصلت تجربی خود، نمی‌تواند داورهای ارزشی کرده، و درباره‌ی آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی جوامع مختلف قضاوت کند یا آن که از جامعه‌ی آرمانی سخن بگوید.

هدف: در جامعه‌شناسی تفهیمی، هدف، داوری ارزشی و انتقادی نسبت به ارزش‌ها در نظام اجتماعی نیست بلکه فهم پدیده‌های اجتماعی برای پیش‌بینی و کنترل آن‌هاست. در این نگاه، جامعه‌شناسی مانند علوم طبیعی بیش‌تر جنبه‌ی ابزاری پیدا می‌کند.

تحلیل کنید

● چرا جامعه‌شناسی تفهیمی نمی‌تواند داوری ارزشی داشته باشد؟

جامعه‌شناسی انتقادی

جامعه‌شناسی از پایان قرن نوزدهم با توجه به تفاوت «موضوع» خود، از علوم طبیعی فاصله گرفت و طی قرن بیستم با توجه به تفاوت «روش» خود نیز به تدریج به روش‌های غیرتجربی نیز اهمیت داد. این امر، نوع جدیدی از جامعه‌شناسی را که جامعه‌شناسی انتقادی نامیده می‌شود، پدید آورد. ویژگی‌های جامعه‌شناسی انتقادی چیست؟



● صحنه‌ای از فیلم
عصر جدید چارلی چاپلین

جامعه‌شناسی انتقادی و دیدگاه‌های پایان قرن بیستم با جامعه‌شناسی قرن نوزدهم تفاوت‌هایی از نظر موضوع، روش و هدف پیدا کرده است. موضوع: جامعه‌شناسی انتقادی مانند جامعه‌شناسی تفهیمی، موضوع خود را از نوع موضوعات طبیعی نمی‌داند و به کنش‌های انسانی و نقش آگاهی و اراده در آن توجه دارد. روش: این نوع جامعه‌شناسی به شناخت حسی و تجربی بسنده نمی‌کند و سطوح دیگری از معرفت و عقلانیت را - که در فرهنگ و عرف اجتماعی بشر حضور دارد - برای شناخت علمی به رسمیت می‌شناسد؛ به همین دلیل، داوری‌های ارزشی را نیز - با آن که معیاری تجربی ندارند

— جزء علوم اجتماعی می‌داند. جامعه‌شناسی، این بخش از دانش یعنی داوری‌های ارزشی خود را با روش‌ها و استدلال‌های غیرحسی و غیرتجربی دنبال می‌کند.

هدف: جامعه‌شناسی انتقادی، فقط یک علم ابزاری نیست. تا در خدمت وضع موجود و به پیش‌بینی و پیش‌گیری حوادث مشغول باشد بلکه دانشی است که با داوری نسبت به ارزش‌ها و هنجارها، توصیه‌های خود را جهت گذار از نظام موجود به سوی نظام مطلوب، انجام می‌دهد. از این دیدگاه، جامعه‌شناسی پوزیتیویستی و تفهیمی، دیدگاه‌هایی محافظه کارانه‌اند؛ زیرا قادر به داوری نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی نیستند و به شرایط موجود تن می‌دهند.

مقایسه کنید

● با پر کردن جدول زیر شباهت‌ها و تفاوت‌های جامعه‌شناسی پوزیتیویستی، تفهیمی و انتقادی را توضیح دهید.

جامعه‌شناسی انتقادی	جامعه‌شناسی تفهیمی	جامعه‌شناسی پوزیتیویستی	نوع معیار
			موضوع
			روش
			هدف

مفاهیم کلیدی

جامعه‌شناسی

پوزیتویستی؛

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

خلاصه کنید

جامعه‌شناسی پوزیتویستی در قرن نوزدهم در اثر غلبه‌ی حس‌گرایی و محدود کردن شناخت علمی به شناخت حسی و تجربی، به وجود آمد.

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

آنچه از این درس آموختیم

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

پیشینه‌ی علوم اجتماعی در یونان و جهان اسلام



موضوع و اهمیت علوم اجتماعی

علوم اجتماعی قبل از قرن نوزدهم نیز در تاریخ اندیشه‌ی بشری به صورت یک دانش مستقل حضور داشت. بسیاری از دانشمندان در طبقه بندی علوم، جایگاه ویژه‌ای برای آن قائل بودند. این جایگاه نشان دهنده‌ی نحوه‌ی نگاه آنان به موضوع این دانش نیز می باشد، موضوع دانش اجتماعی و اهمیت آن قبل از قرن نوزدهم چه بوده است؟

قبل از غلبه‌ی حس گرایی، برخی از دانشمندان جهان اسلام، مانند فارابی، ابن سینا و هم چنین

قبل از آنان اندیشمندان یونانی چون ارسطو، علوم را در یک تقسیم‌بندی کلان، براساس موضوع آن‌ها به دو دسته تقسیم می‌کردند:

اول: علوم نظری

دوم: علوم عملی.

آنان فلسفه را به معنای علم به‌کار می‌بردند و علم نظری و عملی را فلسفه‌ی نظری و عملی نیز می‌گفتند.

فلسفه یا علم نظری، به هر علم و دانشی که موضوع آن مستقل از اراده و آگاهی انسان است، می‌گویند و فلسفه یا علم عملی، به دانشی گفته می‌شود که موضوع آن با اراده و آگاهی انسان پدید می‌آید. فلسفه یا علوم عملی در این تعریف معنایی معادل با علوم انسانی دارد. از نظر آنان، علوم نظری به علوم طبیعی یا تجربی منحصر نمی‌شود و دارای سه بخش اصلی است:

اول: علمی که به قوانین عام هستی می‌پردازد و آن را متافیزیک یا فلسفه‌ی به معنای خاص می‌نامند.

دوم: علمی که موضوع آن اندازه و مقدار است؛ این بخش از علم شامل دانش‌های ریاضی می‌شود.



سوم: دانشی که موضوع آن موجودات مادی و طبیعی است، و آن را علم یا فلسفه‌ی طبیعی می‌نامند.

علوم عملی را نیز که همان علوم انسانی است، به سه بخش تقسیم می‌کردند:

اول: علم اخلاق

دوم: علم خانواده و تدبیر منزل

سوم: علم جامعه (سیاست) و تدبیر مُدُن.

تقسیم‌بندی فوق نشان می‌دهد که متفکران مسلمان و برخی از اندیشمندان یونان از دیرباز با علوم انسانی و اجتماعی آشنایی داشته و تفاوت این علوم را با علوم طبیعی، ریاضی و هم‌چنین متافیزیک در نظر داشته‌اند.

با هم بیاندیشید

- تفاوت علوم نظری و علوم عملی را بیان کنید.
- متافیزیک (فلسفه به معنای خاص) جزء کدام دسته از علوم است؟
- علوم انسانی و اجتماعی جزء علوم نظری یا عملی‌اند؟ دلیل آن را بیان کنید.

علم تدبیر مُدُن

متفکران مسلمان با شناخت تفاوت موضوع علم عملی و نظری، دانش اجتماعی را شبیه علوم طبیعی نمی‌دانستند و به همین دلیل، دانش اجتماعی آنان از نوع جامعه‌شناسی پوزیتیویستی نیست. آنان به دلیل این که شناخت علمی را محدود و مقید به شناخت حسی و تجربی نمی‌کنند، به محدودیت‌های جامعه‌شناسی تفهّمی نیز گرفتار نمی‌شوند. اینک جای این پرسش هست که دانش اجتماعی آنان چه تفاوت‌هایی با جامعه‌شناسی انتقادی دارد؟

جامعه‌شناسی انتقادی هنگامی که در روش خود از محدود کردن شناخت علمی به شناخت تجربی فاصله می‌گیرد و با فراتر رفتن از محدوده‌ی علم تجربی و ابزاری به دنبال سطوح دیگری از علم که توان داوری ارزشی و هنجاری داشته باشد، می‌گردد با مشکل مواجه می‌شود؛ زیرا از نشان دادن معیار و میزانی که فراتر از محصولات اجتماعی و تاریخی انسان بوده و برای همگان معتبر باشد باز می‌ماند؛ اما متفکرانی که در مباحث فلسفی خود، عقل را نیز هم چون حس و تجربه

به عنوان یک ابزار مستقل معرفتی به رسمیت می‌شناسند، برای داوری ارزشی و هنجاری مشکلی ندارند. آنان همان‌گونه که علوم را به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌کنند، عقل را نیز به نظری و عملی تقسیم می‌کنند.

عقل نظری به شناخت هستی‌ها می‌پردازد. این عقل به کمک حس و با روش تجربی، هستی‌های طبیعی را می‌شناسد و به‌طور مستقل و با روش تجربی، احکام ریاضی و متافیزیکی را درمی‌یابد.

عقل عملی بایدها و نبایدها و احکام ارزشی را می‌شناسد و درباره‌ی ارزش‌های فردی و اجتماعی انسان داوری می‌کند.

علم اجتماعی هنگامی که با استفاده از عقل و وحی توان داوری درباره‌ی ارزش‌های اجتماعی را پیدا کند، با حفظ هویت علمی خود وظیفه‌ی تدبیر اجتماعی را نیز بر عهده می‌گیرد؛ از این‌رو، فارابی علم اجتماعی را علم تدبیر مُدُن، یعنی علم تدبیر جوامع می‌نامند.

تفسیر کنید

- تفاوت عقل عملی با عقل نظری چیست و عقل عملی چه تأثیری بر علوم اجتماعی دارد؟



● علامه طباطبایی

سید محمد حسین طباطبایی مشهور به علامه (۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ ه.ش) یکی از فیلسوفان و مفسران بزرگ جهان اسلام در سه قرن اخیر بوده است. اهمیت ایشان به لحاظ علمی در احیای حکمت و فلسفه و تفسیر است. تفسیر المیزان، اصول فلسفه و روش رئالیسم و مباحثات ایشان با شرق‌شناس فرانسوی هانری کربن از آثار ماندگار ایشان است. مباحثات ایشان با هانری کربن از سال ۱۳۳۶ هجری شمسی شروع شد و بیش از ۲۰ سال ادامه پیدا کرد که نتایج این مباحثات به چهار زبان فارسی، عربی، فرانسه و انگلیسی منتشر شده است.

عقل عملی و پدیده‌های اعتباری

عقل عملی نه تنها مشکلات جامعه‌شناسی را برای داوری‌های ارزشی و فعالیت‌تدبیری حل می‌کند، بلکه راز تفاوت پدیده‌های اجتماعی و انسانی را با پدیده‌های طبیعی نیز می‌گشاید. به نظر شما، پدیده‌های اجتماعی چه تفاوتی با سایر موجودات دارند و چگونه به وجود می‌آیند؟



پیش از این دانستیم علوم عملی که شامل علوم انسانی و اجتماعی می‌شوند، درباره‌ی هستی‌ها و موجوداتی بحث می‌کنند که با اراده و آگاهی انسان ایجاد می‌شوند و علوم دیگر – که از آن‌ها با عنوان علوم نظری یاد شد – درباره‌ی سایر موجودات بحث می‌کنند. علامه طباطبایی، فیلسوف معاصر جهان اسلام، کاوش‌هایی درباره‌ی عقل نظری و عقل عملی انجام داده است. از نظر ایشان عقل عملی انسان را در انجام عملش یاری می‌رساند و در این مسیر پدیده‌هایی را ایجاد و اعتبار می‌کند. این پدیده‌ها در علوم عملی، یعنی علوم انسانی و اجتماعی، بررسی می‌شوند. او چنین پدیده‌هایی را که با قرارداد و اعتبار عقل عملی ایجاد می‌شوند «اعتباریات» می‌نامد؛ مانند گروه، خانواده، جامعه و قواعد و مقرراتی که انسان‌ها وضع می‌کنند. اعتباریات یا پدیده‌هایی که با اعتبار عقل عملی ایجاد می‌شوند دارای دو ویژگی هستند: (۱) به خواست و اراده‌ی انسان به وجود می‌آیند و (۲) دارای آثار و پیامدهای غیرارادی و تکوینی هستند

هم‌اندیشی کنید

- دو پدیده اعتباری نام ببرید و یک اثر و پیامد غیراعتباری برای هر کدام ذکر کنید.
- آیا موجودات طبیعی مانند؛ اشیا، جانوران و گیاهان از پدیده‌های اعتباری هستند؟ دلیل بیاورید.